

دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- اساسنامه صالح یونسکو و بازتاب آن در ادبیات داستانی کودکان ایران
- الگویابی جنسیتی در مجموعه داستان‌های فلسفی‌ها، کلاس کوچولوها، شهر آدم کوچولوها، شغل آینده من
- ایدئولوژی‌های نهفته در متن انیمیشن «کارخانه هیولاها»
- بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایرانی و انگلیسی
- بررسی تطبیقی عناصر داستان در داستان‌های کودک برگزیده «احمد اکبر پور» و «مهیند الماقوس»
- بررسی سبک زندگی ایرانی در شش رمان نوجوان
- بررسی مقایسه‌ای کنش‌های گفتاری کودکان و بزرگسالان در «باشو غریبه کوچک» براساس نظریه سرل
- برهنگش تصویر و متن در کتاب تصویری «هفت خوان هفت رزم» براساس نظریه متن-تصویر پری لودلمن
- پرسش‌ها و ارتباط آن با مفهوم پدیدارشناسی در داستان «لالایی برای دختر مرده» نوشته حمیدرضا شاه‌آبادی
- تحلیل شخصیت در داستان کودکان «الفندیل الصغیر»
- عثمان کنگانی براساس الگوی کنش‌های گفتاری جان سرل
- تحلیل و تبیین ظرفیت افسانه بوشت فریان در قالب فیلم‌نامه داستانی به منظور ارائه به جامعه کودک و نوجوان
- روایت رئالیستی در اتوبیوگرافی-رمان «شما که غریبه نیستید»
- گونه‌شناسی نوشتارهای ادبی نشریات کودکان و نوجوانان (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)
- نقد و تحلیل رمان نوجوان «دروازه مردگان» از منظر گوتیک

بررسی سبک زندگی ایرانی در شش رمان نوجوان

حانیه اکبرنیا یزدی^(۱) و محمد ضابطی پور^۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان و مسئول بخش کودک انتشارات به نشر. مشهد. ایران

۲. دانشجوی دکتری رشته آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد. ایران

چکیده

ادبیات نوجوان به‌عنوان ادبیاتی شکل دهنده و غنی‌کننده نوجوان را یاری می‌کند تا از نگرانی‌هایش رهایی یابد و بتواند هویت خاص خود را در دنیایی که موجب تشویش او شده است، بسازد. در بیشتر رمان‌های نوجوان در ایران، شخصیت‌های اصلی یا فرعی داستان، نوجوانانی هستند که هرکدام گفتار و رفتار و سبک زندگی خاص خود را دارند. در این مقاله سبک زندگی نوجوانان در شش رمان از مجموعه رمان‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بر مبنای الگوی ایرانیان بررسی شده است. در الگوی سبک زندگی ایرانیان چهار شاخص سنتی، فراغتی، فرهنگی و مدیریتی-مراقبتی در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های الگوی زندگی ایرانیان در رمان‌ها قابلیت بازیابی دارند که در این میان شاخص «سنتی» و «فراغتی» دارای بیشترین بسامد و شاخص «مراقبتی» از بسامد کمتری برخوردار است. در قیاس سبک زندگی پسران با دختران مشخص شد که شاخص «فراغتی» از اولویت‌های هر دو جنس (دختر و پسر) است و براساس الگوی سبک زندگی ایرانی، دختران در انجام امور فرهنگی فعال‌تر از پسران هستند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، رمان، ایران، سبک زندگی، جنسیت.

مقدمه

بسیاری از نویسندگان و پیشگامان در عرصه ادبیات کودک و نوجوان به ادبیات نوجوان اشاره‌ای داشته‌اند، اما هیچ‌گاه به تفکیک و تعریفی مجزا از ادبیات نوجوان نپرداخته‌اند. محسن هجری معتقد است که دلیل آنکه ادبیات نوجوان هم‌پای ادبیات کودک رشد نکرده است، عدم شناخت ما از پدیده نوجوانی است. (هجری، ۱۳۸۹: ۱۲۲)

دوران نوجوانی (سنین بین ۱۱ تا ۱۸ سالگی) دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است و در آن هر نوجوان به دنبال خودی خود می‌گردد و می‌آموزد که خود را بشناسد و هویت خود را بسازد. در این دوره در ابعاد جسمانی، شناختی، روانی و اجتماعی افراد تغییراتی ایجاد می‌شود و دوره‌ای است که نوجوان خودش را بین دنیای کودکی و دنیای بزرگسالی معلق می‌بیند و همین مسئله باعث ایجاد نگرانی و تشویش می‌شود و کتاب خواندن نوجوان می‌تواند در شکل‌گیری هویت او اهمیت به‌سزایی داشته باشد. ادبیات نوجوان به‌عنوان ادبیاتی شکل دهنده و غنی‌کننده نوجوان را یاری می‌کند تا از نگرانی‌هایش رهایی یابد و بتواند هویت خاص خود را در دنیایی که موجب تشویش او شده است، بسازد. (تريکش، ۲۰۰۰: ۱۷۴)

رمان نوجوان به هستی‌شناسی نوجوان کمک می‌کند تا بتواند در مقابل بحران‌های دوره نوجوانی تجهیز شود. با توجه به این شرایط در بیشتر کتاب‌های مناسب نوجوانان، شخصیت‌های داستان، هم‌سن مخاطب کتاب هستند و نوجوان خود را جای قهرمانان داستان می‌گذارد و اگر قصه متناسب با زمانه نوجوان نوشته شده باشد، همانندسازی باعث تخلیه قسمت اعظم هیجانات او می‌شود و به او انرژی کافی برای حل مشکلات و نگرانی‌های سن خود را می‌دهد؛ از این رو، در هر رمان، بازتابی از سبک زندگی نوجوان وجود

دارد و به این دلیل با توجه به اهمیت یافتن سبک زندگی در جامعه ایرانی بررسی سبک زندگی مهم تلقی می‌شود. مرحله نوجوانی را دوره برانگیختگی و دگرگونی عمیق در تمامی ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان می‌دانند. اگر بخواهیم تعریفی از نوجوانی ارائه بدهیم. بهتر است ابتدا معنای بزرگسال و غیربزرگسال را تعریف کنیم. در این دیدگاه بزرگسال مقوله‌ای جمعیتی شناختی است که نیازهای اساسی جامعه توسط او در قالب نقش‌های اجتماعی تأمین می‌شود و غیربزرگسال فردی است که هنوز وارد نقش‌های کارکردی جامعه نشده است. البته در این طبقه‌بندی دوگانه غیر بزرگسال را می‌توان مجموعه‌ای از کودکی و نوجوانی دانست. در تمایز بین کودکی و نوجوانی باید گفت: کودکی را می‌توان دنیای معصومیت، بی‌تجربگی و آزادی از خود و جامعه دانست. از این رو کودکی بی‌هویتی را به ذهن متبادر می‌کند، اما نوجوانی سرآغاز کسب هویت و خوداندیشی است. نوجوانی شروع تلقی فرد از خود به‌عنوان موجودی مهم است و اگر جوانی را مرحله تثبیت «خود» روانی و اجتماعی فرد بدانیم که او را وارد دنیای نقش‌های اجتماعی و بزرگسالانه می‌کند، باید دوران نوجوانی را دوره سیالیت دانست. (باقری، ۱۳۸۴: ۷ و ۸)

با شروع سال‌های نوجوانی توجه نوجوانان به دنیای پیرامون بیشتر می‌شود؛ ارتباط با گروه هم‌سالان، توجه بیشتر به اجتماع و افزایش ارتباطات اجتماعی، احساس مسئولیت در برابر خود، خانواده، دوستان و هم‌نوعان و پیدایش زمینه و شرایط روانی برای تغییر محیط و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، آموختن فنون و مهارت‌ها، احساس تعلق به گروه‌های هم‌سال، روحیه عضویت در تشکل‌های نوجوانان و جوانان در آنان افزایش می‌یابد. (آقایی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

دوام هویت آثار کودک و نوجوان در گرو مخاطب است. در نگاه کلی کودکان و نوجوانانی که از متون ادبی به‌منظور پرکردن اوقات فراغت و رفع نیازهای فردی و اجتماعی استفاده می‌کنند، مخاطب ادبیات کودک به‌شمار می‌آیند. (جلالی، ۱۳۹۲: ۲۸) بر مبنای اهمیت مخاطب در آثار کودک و نوجوان و شناخت دوره نوجوانی به‌عنوان دوره‌ای که نوجوان نه کودک و نه بزرگسال است، بنابراین می‌تواند ادبیاتی جدا از ادبیات کودک داشته باشد که مختص او است و با زمینه‌های رشدی و نیازهای او متناسب است از این رو در تعریف این ادبیات می‌توان گفت: ادبیات نوجوان ادبیاتی است که در عین حال که به تربیت آموزش می‌پردازد به نوجوان کمک می‌کند تا از دل‌نگرانی‌هایش خارج شود می‌تواند شخصیت خاص خود را بسازد و روحیه او را نیز تقویت می‌کند تا با نوعی بینش انتقادی و منطقی جهان را بنگرد و ادبیات به واسطه‌ای بین او و دنیای بیرونی تبدیل شود.

رمان نوجوان عبارت از ژانر یا مجموعه آثاری است که افراد با مناسبت «نوجوانی» خود به سراغ آن می‌روند. به بیان دیگر رمان نوجوان اثری است که ظرفیت‌های متنی را در خود ایجاد کند تا خواننده مقتضیات نوجوانی خود را در آن بیابد. (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

سبک زندگی نیز جزو آن دسته از مفاهیمی است که ارائه تعریف دقیق، جامع و مانع از آن ساده نیست و درمورد ویژگی‌ها و شرایط آن اختلاف نظر وجود دارد. وجوه تشابه این مفهوم با سایر مفاهیم در علوم انسانی همچون فرهنگ، سلیقه و ... گسترده دربرگیری آن (به گونه‌ای که همه وجوه زندگی انسان و فعالیت‌های اجتماعی وی را شامل می‌شود) و دیدگاه‌های متفاوت درخصوص ویژگی‌ها، عناصر و شاخص‌های سبک زندگی، موجب شده دیدگاه‌های هم‌سویی درمورد ویژگی‌های این مفهوم و تعریف آن وجود نداشته باشد. با توجه به اینکه در این مقاله، سبک زندگی در رمان‌های نوجوان مورد بررسی قرار می‌گیرد، در ابتدا به ارائه تعاریفی از سبک زندگی می‌پردازیم.

آنتونی گیدنز^۱ (۱۹۳۸)، نظریه‌پرداز و جامعه‌شناس بریتانیایی، در تعریف این مفهوم می‌گوید: سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌هاست، بنابراین از نوعی وحدت برخوردار است. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

حاجیانی در تعریف این مفهوم می‌گوید: سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های

فرد است. سبک زندگی را می‌توان در تمامی کنش‌ها و رفتارهای فرد و در تعاملات و ارتباطات وی با دیگران، طبیعت و به‌طور کلی محیط اجتماعی اطراف وی که معمولاً قابل مشاهده، توصیف و اندازه‌گیری است، ملاحظه و مشاهده کرد. از این منظر سبک زندگی جنبه‌های عینی، مشهود و ملموس فرهنگ و نظام ارزشی در یک جامعه است و گویای بخش قابل رؤیت هویت جمعی و هویت فرهنگی در یک جامعه است (حاجیان، ۱۳۹۱: ۸)

پیر بوردیو^۱ (۲۰۰۲-۱۹۳۰)، جامعه‌شناس مشهور فرانسوی، سبک زندگی را فعالیت‌های نظام‌مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به‌صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. (بوردیو، نقل از مهدوی‌کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). او سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابزار عادت می‌داند و به‌نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است بخشی از سبک زندگی وی به‌شمار می‌آید. (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۷)

شاخص‌های سبک زندگی و الگوی ایرانی در رمان‌های منتخب

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک زندگی» از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که ایشان برای سبک زندگی بر شمرده و یا در تحقیقات خود از آن‌ها به‌عنوان شاخص بهره برده‌اند. در اینجا منظور از مؤلفه امری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند. با توجه به تعریف جنسن^۲ از سبک زندگی معتقد است این مفهوم در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای، فردی قابل اندازه‌گیری است. (مجدی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

رحمت‌آبادی در مقاله خود با عنوان «شالوده هویت اجتماعی در مدرنیته متأخر» به شاخص‌های سبک زندگی ایرانیان اشاره کرده است. در این پژوهش بنا داریم به نمای کلی از سبک زندگی نوجوانان ایرانی در متن رمان‌های انتخابی براساس شاخص‌های ارائه شده در ذیل، دست یابیم.

۱. شاخص‌های سنتی: شاخص‌های سنتی شاخص‌هایی هستند که سبک زندگی افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و انتخاب‌های هر فرد وابسته به آن است. این شاخص‌ها عبارتند از: خانواده، جنسیت، سن، تحصیلات و شغل. (رحمت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۲)

۲. شاخص‌های فراغتی: فعالیت‌هایی که افراد در زمان فراغت انجام می‌دهند. (همان) گروه بین‌المللی جامعه‌شناسی، اوقات فراغت را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به‌منظور توسعه آگاهی‌ها یا فراگیری غیرانتفاعی و مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می‌پردازد.» (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۱)

۳. شاخص‌های فراغتی به دو دسته فعالیت‌های فراغتی (سفر، بازی، رفت و آمد با دوستان، ورزش و ...) و فضاهای فراغتی (مراکز خرید، کافی‌شاپ، منزل، پارک، رستوران و ...) تقسیم می‌شوند. (رحمت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۳)

۴. شاخص‌های مراقبتی-مدیریتی: این شاخص به رفتارهای مرتبط با بدن، حفظ سلامت و مراقبت از خود در مقابل آسیب، اشاره دارد. به‌عنوان مثال: عادات تغذیه، پوشش، رسیدگی به وضع ظاهری و ... در این دسته جای می‌گیرند. (همان: ۱۹۶)

۵. شاخص‌های فرهنگی: فرهنگ یا تمدن مجموعه‌ای پیچیده است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب شده است. در زمینه شاخص‌های فرهنگی میزان فعال یا منفعل بودن کنشگر بررسی می‌شود. به‌عنوان مثال: تلویزیون دیدن، کتاب خواندن، فعالیت‌های هنری، تئاتر و سینما رفتن، موسیقی گوش دادن و ... در این دسته جای می‌گیرند. (توکلی، ۱۳۹۴: ۲۸)

در این مقاله سبک زندگی شخصیت‌های نوجوان در شش رمان از مجموعه رمان‌های پرمخاطب کانون پرورش فکری کودکان و

1. Pierre Bourdieu.

2. Jensen

نوجوانان بررسی می‌شود که در دوره‌های مختلف برنده جوایز ادبی شده‌اند و از نوع داستان‌های رئالیستی هستند. براساس دیدگاه علوم اجتماعی با بررسی الگوی سبک زندگی ایرانیان براساس چهار شاخص سنتی، فراغتی، فرهنگی و مدیریتی-مراقبتی، متن رمان‌ها تحلیل می‌شود. سؤال اصلی این پژوهش این است که چگونه شاخص‌های سبک زندگی ایرانی در رمان‌های ایرانی نوجوان ارائه می‌شود. نویسندگان خلاق و فعال در حوزه ادبیات نوجوان می‌توانند با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش که اطلاعات و معیارهای جامعی درخصوص سبک زندگی نوجوان ایرانی ارائه می‌دهد، سبک زندگی سنتی نوجوان امروز و دیروز را با هم مقایسه کنند. تمام شخصیت‌های نوجوان موجود در کتاب‌ها اعم از شخصیت‌های اصلی و فرعی بررسی می‌شوند و بعد از معرفی اجمالی کتاب‌های مورد پژوهش به تحلیل رمان‌ها براساس شاخص‌های سبک زندگی که دغدغه اصلی پژوهش حاضر است، می‌پردازیم. این رمان‌ها عبارتند از: هستی از فرهاد حسن‌زاده، وقتی مژگی گم شد از حمیدرضا شاه‌آبادی، عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی از جمشید خانیان، دلک از هدی حدادی، قلب‌های نارنجی از مینو کریم‌زاد و اولین روز تابستان از سیامک گلشیری.

قلب‌های نارنجی

خلاصه داستان: در این کتاب «ساده» دختر پاک و بی‌آلایشی است که در خانواده‌ای متوسط زندگی می‌کند و با پدرش رابطه خوبی دارد و به او نزدیک است. در مدرسه با ورود شاگردی جدید به کلاسشان به اسم آما ماجراهایی به وقوع می‌پیوندد که ساده نیز در آن نقش مهمی را ایفا می‌کند. ماجرا حول مشکل آلماست و چون ساده از دوستان صمیمی آلماست در ختم به خیر شدن ماجرا نقش اساسی دارد. ساده با اینکه پدرش از لحاظ مادی وضعیت خوبی ندارد، صاحب خانواده‌ای گرم و مهربان است، اما آما تک فرزند خانواده‌ای ثروتمند است که با مادرش زندگی می‌کند و در جست‌وجوی پدر است و بر سر همین موضوع با مردی آشنا می‌شود که ادعا می‌کند پدرش را می‌شناسد و درصدد رساندن آما به پدر است و در آخر متوجه می‌شود که آن مرد او را فریب داده است.

تحلیل: این رمان شش شخصیت نوجوان دارد، شخصیت‌های داستان دختر هستند. ساده و آما دو شخصیت اصلی داستان و شیدا، پری، سحر و زهرا شخصیت‌های فرعی داستان هستند. سبک زندگی شخصیت‌های اصلی داستان بیشتر متمرکز است. شاخص‌های سبک زندگی در این رمان به شاخص‌های سنتی، اوقات فراغت، فرهنگی و مراقبتی-مدیریتی طبقه‌بندی می‌شوند. پس از شاخص سنتی شاخص‌های فراغتی و فرهنگی بیشترین بسامد را دارند و شاخص‌های مراقبتی-مدیریتی در رتبه بعدی قرار دارند. در این کتاب شاخص سنی از زیرگروه شاخص‌های سنتی با معیار قرائن لفظی (اشاره به سن و سال) مشخص کرد که شخصیت‌های داستان نوجوان هستند و شانزده سالگی، سن تقریبی و مشترکشان است. در اکثر فرهنگ‌ها این اتفاق نظر وجود دارد که پسران فعال و مستقل و دختران مهربان و وابسته هستند (حسینی‌نسب، ۱۹۹۳: ۱۹) براساس شاخص جنسیتی، شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان دختران هستند و پسر نوجوان در داستان مشاهده نشد. براساس شاخص تحصیلی، شخصیت‌ها مقطع تحصیلی دوم دبیرستان را پشت سر می‌گذرانند. بافت خانواده در داستان به دو شکل زندگی نوجوانان با والدین و تک والد نمود پیدا کرده است. از شش شخصیت داستان پنج مورد با والدین و یک مورد با تک والد (مادر) زندگی می‌کند. در این کتاب شاخص فراغتی نشان می‌دهد که بیشترین فراغت نوجوانان رفت و آمد با دوستانشان است و بعد از آن عمده فعالیت‌های فراغتی آنان استراحت کردن است. فضای فراغتی نوجوانان بیشتر خانه و بعد خیابان و کافی‌شاپ است. شاخص فرهنگی نشان داد که نوجوانان در انجام اموری چون فعالیت‌های هنری (نویسندگی و بازیگری)، سینما و تئاتر رفتن، کتاب‌خواندن و تلویزیون دیدن، نقش فعالانه دارند. از آنجا که فعالیت‌های فرهنگی در زمان فراغت نوجوانان صورت پذیرفته است در زیرگروه شاخص‌های فراغتی نیز قرار می‌گیرند. مدیریت تغذیه نشان می‌دهد، نوجوانان به خوردن غذاهای فست‌فود مانند سیب‌زمینی سرخ‌کرده و ساندویچ و تنقلاتی مانند لواشک علاقه‌مند هستند. در این رمان دختران از منظر ویژگی‌های روحی رازدار، زودباور، خونگرم، مهربان، ریاست‌طلب، واقع‌بین، منطقی، زودرنج و کینه‌ای هستند و مهربانی ویژگی مشترک آن‌هاست. درخصوص رابطه با هم‌سالان و غیرهم‌سالان می‌توان گفت رابطه با هم‌سالان بیشتر از رابطه با غیرهم‌سالان یافت می‌شود. انتخاب دختران به‌عنوان شخصیت اصلی داستان و تعیین نقش فعال، تصمیم‌گیرنده،

ماجرای و نجات‌دهنده برای آن‌ها اولین قدم برای کنار گذاشتن کلیشه‌های جنسیتی است که توسط نویسنده صورت گرفته است. شخصیت‌های زن داستان شخصیت‌های غالب را تشکیل می‌دهند.

اولین روز تابستان

خلاصه داستان: با پایان یافتن فصل امتحانات و شروع فصل تابستان کامیار، که شخص اول داستان است، به سراغ افرادی می‌رود که هیچ ارتباطی با آن‌ها ندارد و از خصوصیات و ویژگی‌های آنها نیز بی‌اطلاع است. یکی از دوستان خوبش به نام حامد او را راهنمایی می‌کند تا از این افراد دوری کند، اما کامیار به حامد توجهی نمی‌کند، چون از امر و نهی کردن بیزار است. کامیار خیلی زود به این افراد اعتماد می‌کند و زندگی بهترین دوست خود، پژمان را که از خانواده ثروتمندی است، برای آن‌ها تعریف می‌کند. ناصر که چهره چندان خوبی ندارد، همراه با دوست دیگرش حبیب نقشه دزدی از خانه پژمان را طرح‌ریزی می‌کنند و از کامیار به‌عنوان سپری برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. کامیار مقاومت می‌کند، اما ناصر و حبیب او را تهدید می‌کنند. کامیار به ناچار خواسته آن‌ها را می‌پذیرد. نقشه دزدی زمانی که کسی در خانه پژمان نیست، عملی می‌شود. کامیار وقتی وارد خانه پژمان می‌شود و در حال جست‌وجو است، ناگهان با چهره بهت‌زده پژمان روبه‌رو می‌شود و بدون هیچ معطلی سرخورده و پشیمان پا به فرار می‌گذارد. او خودش را در خانه حبس می‌کند و همیشه خودش را به‌خاطر این کار سرزنش می‌کند.

تحلیل: این رمان سه شخصیت نوجوان به نام‌های "کامیار" و "حامد" و "پژمان" دارد. کامیار شخصیت اصلی و راوی داستان است و حامد و پژمان شخصیت‌های فرعی داستان به‌شمار می‌روند. شاخص‌های سبک زندگی شامل شاخص‌های سنتی، فراغتی، فرهنگی و مراقبتی-مدیریتی می‌شود. بعد از شاخص سنتی، شاخص فراغتی بیشترین بسامد را دارد. در این کتاب شاخص سنی از زیرگروه شاخص‌های سنتی با معیار قرائن لفظی (اشاره به سن و سال) مشخص کرد که شخصیت‌های داستان، نوجوان هستند. براساس شاخص جنسیتی، شخصیت‌ها پسر هستند. شاخص تحصیلی بیانگر آن است که شخصیت‌ها مقاطع تحصیلی را پشت سر می‌گذرانند. بافت خانواده در داستان به شکل زندگی با تک والد است و در شخصیت دیگر نامشخص است. شخصیت‌های مذکر در داستان در برابر زنان شخصیت غالب را تشکیل می‌دهد. در داستان به‌جز دو مورد تمامی شخصیت‌ها پسر هستند و داستان کنش‌گر نوجوان دختر ندارد. شاخص فراغتی نشان می‌دهد که بیشترین فراغت نوجوانان رفت و آمد با دوستانشان است و بعد از آن عمده فعالیت‌های فراغتی آنان ورزش و استراحت کردن و فضای فراغتی نوجوانان کافی شاپ، بازار و خانه است. کامیار بیشتر مواقع تلویزیون می‌دید. تلویزیون دیدن شاخص فرهنگی محسوب می‌شود و با فراغت هم‌پوشانی دارد. شاخص فرهنگی در این کتاب نشان می‌دهد که فعالیت فرهنگی نوجوان از فراغت او نشأت می‌گیرد و به تلویزیون دیدن می‌پردازد که این امر به‌عنوان شاخص فراغتی نیز مطرح می‌شود. در سطح شاخص مدیریتی، عادات تغذیه مشخص کرد نوجوانان به خوردن بستنی و فست‌فود علاقه‌مند هستند و مدیریت پوشش بیانگر آن است که نوجوانان اهل پوشاک مارک هستند.

وقتی مژگی گم شد

خلاصه داستان: در این داستان مژده شانزده و مژگان هفده سال دارد و دو دخترخاله هستند. آن دو به همراه خانواده‌هایشان به سفر می‌روند. پدر که فراموش کرده داروی خود را بیاورد، مژگان را مقصر می‌داند و او را سرزنش می‌کند. فردای آن روز مژگان ناپدید می‌شود. خانواده همه‌جا را جست‌وجو می‌کند و معلوم می‌شود که او تمام مدت در کمد پنهان شده است. خانواده هنوز طعم خوشحالی پیدا شدن مژگان را نچشیده که این بار با گم شدن مژده روبه‌رو می‌شوند. پس از بی‌گیری آشکار می‌شود که یکی از دوستانش به بهانه آوردن او نزد مژگان او را دزدیده و به خانه‌ای امن برده است. مجرمین پس از مواجهه با پلیس فرار می‌کنند، اما به‌دلیل سرعت زیاد تصادف می‌کنند و مژده قطع نخاع می‌شود.

تحلیل: این داستان سه شخصیت نوجوان دارد. "مژگان" و "مژده" شخصیت‌های دختر و "مسعود" شخصیت پسر داستان است.

براساس معیار سنی کنشگران نوجوان هستند. مژگان هفده، مژده شانزده و مسعود پانزده سال دارد. شاخص‌های سبک زندگی در این داستان به شاخص‌های سنتی، اوقات فراغت و فرهنگی دسته‌بندی می‌شوند. بعد از شاخص سنتی، شاخص فراغتی بیشترین بسامد را دارد و شاخص فرهنگی در رده بعدی قرار می‌گیرد. در این کتاب شاخص سنی از زیرگروه شاخص‌های سنتی با معیار قرائن لفظی (اشاره به سن و سال) مشخص کرد که شخصیت‌های داستان، نوجوان و بین سنین پانزده تا هفده‌سالگی هستند. براساس شاخص جنسیتی، دختران به‌عنوان شخصیت اصلی حضور داشتند. شاخص تحصیلی بیانگر آن است که شخصیت‌ها مقاطع تحصیلی را پشت سر می‌گذرانند. بافت خانواده در داستان به شکل زندگی نوجوانان با والدین است. شخصیت‌های مؤنث در داستان در برابر مردان شخصیت غالب را تشکیل می‌دهند. شاخص فراغتی نشان می‌دهد که بیشترین فراغت نوجوانان سفر کردن و بعد از آن عمده فعالیت‌های فراغتی آنان شرکت در کلاس‌های فراغتی (داستان‌نویسی و کامپیوتر) و رفت و آمد با دوستان و فضای فراغتی در این داستان ویلا و خیابان است. شاخص فرهنگی مشخص کرد که نوجوانان در انجام فعالیت‌های هنری، تلویزیون دیدن، کتاب خواندن و ... نقش فعالانه دارند و با توجه به آنکه در زمان فراغت نوجوانان انجام می‌پذیرد ذیل عنوان شاخص فراغتی نیز مطرح می‌شود. سبک زندگی دختران در قیاس با سبک زندگی پسران مشخص کرد که اولویت دختران و پسران نوجوان فعالیت‌های فراغتی است. در سطح شاخص فرهنگی نیز دختران در قیاس با پسران در انجام امور فرهنگی فعال‌تر هستند و به انجام امور فرهنگی بیش از پسران رغبت نشان می‌دهند. در این رمان شخصیت‌های مؤنث شخصیت‌های غالب را تشکیل می‌دهند و دختران انسان‌های منزوی و گوشه‌گیر، احساسی و خوش‌قلبی هستند که به‌سادگی فریب می‌خورند و پسران کنجکاو، ماجراجو و منطقی هستند.

عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی

خلاصه داستان: این داستان درباره سارا دختر نوجوان سیزده ساله‌ای است که با خانواده‌اش در خرمشهر زندگی می‌کند. پدر او تعمیرکار پیانو است و موسیقی را خوب می‌شناسد و با دیدن دستان کشیده سارا آینده درخشانی را در ناوختن پیانو برای او پیش‌بینی می‌کند. سارا هم با موسیقی و عشق به موسیقی بزرگ شده و به پیانوی دست دومش به نام "کوکو" عشق می‌ورزد.

زمانی که پدر برای گذراندن یک دوره به آلمان می‌رود، جنگ شروع می‌شود. سارا به همراه مادر و برادرش سام و عمو غازی و خانمش عنقا راهی اهواز می‌شوند. در بین راه با یونس، پسر نوجوان و بی‌بی، مادر بزرگش روبه‌رو می‌شوند. با شدت گرفتن بمباران آنان ناچار می‌شوند پیانو را از وانت خارج کند تا یونس و بی‌بی بتوانند سوار شوند. سارا از آن پس احساس دوگانگی به یونس دارد. از یک طرف از او دلخور است، چون او را مستحب از دست دادن پیانوی خود می‌داند و از طرفی هم نسبت به او کنجکاو و حتی دلبسته است. او را پنهانی تعقیب می‌کند و مایل است دوست او را بشناسد؛ از او بسیار می‌آموزد و در عین حال به ظاهر خود را به او بی‌توجه نشان می‌دهد. یونس پسری است کمی از سارا بزرگ‌تر و رفتار عجیبی دارد. خیلی چیزها می‌داند، وارونه حرف می‌زند، شعر می‌گوید و نگاهی زیبا به طبیعت، موسیقی و عشق دارد. زمانی که او ناچار است برای کمک‌خرج خود و بی‌بی به کار چاه‌کنی بپردازد، جان خود را از دست می‌دهد. سارا و سام تصمیم می‌گیرند به باغ مورد علاقه او بروند و خبر مرگ او را به دوست نادیده‌اش برسانند. وقتی سارا با زحمت زیاد بالای دیوار می‌رود، دفتر شعر یونس را می‌بیند و متوجه می‌شود که مخاطب شعرهای یونس، خودش بوده است.

تحلیل: این داستان دو شخصیت پسر و یک شخصیت دختر دارد. "سارا" شخصیت دختر و "سام" و "یونس" شخصیت‌های پسر در این داستان هستند. سارا خواهر سام است. براساس معیار شاخص سنی بیانگر آن است که کنشگران نوجوان هستند. سارا در این داستان سیزده ساله و برادرش یازده سال دارد و وقتی که سارا این داستان را بازگو می‌کند، یازده سال از آن زمان گذشته است. در این کتاب شاخص سنی از زیرگروه شاخص‌های سنتی با معیار قرائن لفظی (اشاره به سن و سال) مشخص کرد که شخصیت‌های داستان نوجوان هستند و سن نوجوانی در این کتاب بین سنین یازده تا حدود شانزده سالگی است. براساس شاخص جنسیتی، شخصیت‌های اصلی داستان دختر و شخصیت‌های فرعی آن دو پسر هستند. براساس شاخص تحصیلی، شخصیت‌ها مقاطع تحصیلی را پشت سر می‌گذرانند. بافت خانواده در داستان به شکل زندگی نوجوانان با والدین و در یک مورد به‌دلیل نداشتن پدر و مادر کنشگر

با مادر بزرگش زندگی کرده است. زنان در داستان در برابر مردان شخصیت غالب را تشکیل می‌دهند. شاخص فراغتی نشان می‌دهد که بیشترین فراغت نوجوانان در فضای فراغتی دشت و خانه است و به بازی و موسیقی گوش دادن کنار خانواده می‌گذرد و بعد از آن عمده فعالیت‌های فراغتی آنان به ترتیب موسیقی نواختن، شعر گفتن و استراحت کردن است. موسیقی نواختن و شعر گفتن از شاخص‌های فرهنگی است که با فراغت نوجوان هم‌پوشانی دارد. شاخص فرهنگی نشان داد که نوجوانان در انجام اموری چون فعالیت‌های هنری (موسیقی نواختن و شعر سرودن)، کتاب و مجله خواندن نقش فعالانه دارند. از آنجا که فعالیت‌های فرهنگی در زمان فراغت نوجوانان صورت پذیرفته است در زیرگروه شاخص‌های فراغتی نیز قرار می‌گیرند. مقایسه سبک زندگی دختران و پسران حاکی از آن دارد که اولویت دختران و پسران نوجوان فعالیت‌های فراغتی است. کنشگر دختر در قیاس با پسران در انجام امور فرهنگی فعال‌تر است و به انجام امور فرهنگی بیش از پسران رغبت نشان می‌دهد. شاخص مراقبتی نیز مشخص کرد که کنشگران برای در امان ماندن از آسیب جنگ از شهر خارج می‌شوند.

هستی

خلاصه داستان: هستی داستان دختر نوجوانی است که نمی‌خواهد مثل دخترها دامن گل‌گلی بیوشد یا موهای بلند داشته باشد و خاله بازی کند. هستی عروسک‌بازی و خانه‌نشینی را دوست ندارد و مانند پسرها رفتار می‌کند. این امر باعث اختلاف همیشگی هستی با پدرش است. با شروع جنگ خانه‌شان فرومی‌ریزد و مجبور به ترک شهر هستند و چون وسیله‌ای ندارند، دایه هستی موتورش را به آنان می‌دهد تا با موتور بروند و از پدر هستی قول می‌گیرد که موتور را زودتر برایش برگرداند. پدر هستی به محض نجات دادن جان خودش و خانواده‌اش به قولش وفا نمی‌کند. هستی که به شدت از این موضوع ناراحت است، یک روز موتور را برمی‌دارد و یواشکی به سمت آبادان می‌رود و موتور را به صاحبش برمی‌گرداند.

تحلیل: براساس معیار جنسیت کنشگر دختر و نام او "هستی" است. او از اینکه یک دختر است خوشش نمی‌آید و مانند پسرها رفتار می‌کند و دیگران بیشتر تصور می‌کنند او پسر است. با توجه به معیار قرائن لفظی کنشگر نوجوان است و دوازده سال دارد. تحصیلات کنشگر براساس معیار (مدرسه رفتن) صورت می‌پذیرد. شاخص فراغتی نشان می‌دهد که کنشگر در زمان فراغت به فعالیت‌هایی چون: استراحت کردن، رفت و آمد با دوستان، تماشای رخدادهای ورزشی و شرکت در کلاس ورزشی، بازی کردن، سفر کردن و ... می‌پردازد. کنشگر در زمان فراغت خود بیشتر به بازی (بازی‌های پسرانه) در فضای فراغتی خیابان و کوچه می‌پردازد و می‌توان استنتاج کرد که سبک فراغتی نوجوان مشابهت بیشتر با پسران دارد. شاخص فرهنگی مشخص کرد که نوجوان بیشتر فعالیت‌های فرهنگی‌اش هم‌راستا با فعالیت فراغتی او است و بیشتر جنبه فراغت دارد، اموری از قبیل تلویزیون دیدن و رادیو گوش دادن که نوجوان در انجام آن نقش فعالانه دارد و شاخص فرهنگی سوغاتی گرفتن از بزرگسال به عنوان نقش منفعلانه کنشگر در امر فرهنگی مطرح است.

با توجه به شاخص مدیریتی عادات تغذیه نشان می‌دهد که بستنی و تخمه آفتابگردان از خوراکی‌های مورد علاقه کنشگر است. مدیریت بدن بیانگر آن است که کنشگر از هر آنچه که لازمه دخترانگی خود است مانند پوشیدن لباس دخترانه، موی بلند و ... متنفر است و در عوض از کوتاه کردن مو از ته تا تیغ و پوشیدن لباس پسرانه لذت می‌برد و گاهی برای خود ریش و سبیل می‌گذاشته است و به بهداشت خود توجه داشته است. براساس شاخص مراقبتی نوجوان و خانواده‌اش برای در امان ماندن از آسیب جنگ سنگر می‌سازند و با بدتر شدن وضعیت به شهر دیگر می‌روند. تحصیلات کنشگر براساس معیار (مدرسه رفتن) صورت می‌پذیرد. بافت خانواده کنشگر به شکل زندگی نوجوان با پدر و مادرش است. از منظر ترتیب تولد، فرزند اول خانواده است و یک برادر دارد. پدر خانواده از وضعیت مالی خوبی برخوردار نیست و اغلب اوقات بیکار است.

در این داستان پدیده جنگ، فرهنگ جامعه و رفتار پدر سبب ایجاد موقعیت جنسی متفاوتی در شخصیت هستی شده است و هویت جنسی او با فیزیولوژی‌اش در تضاد است. در این رمان هستی به سمت ویژگی‌های پسرانه می‌رود، در جامعه و دورانی که بچه‌ها

قدرتی ندارند و زن بودن معادل سر به‌زیری و نداشتن صداست، هستی به مردانگی توسل می‌جوید و با ظاهر پسرانه خود آزادی بیشتری را کسب می‌کند. او قدرت بدنی و دانش و عواطف را در شخصیت مرد می‌بیند. در رفتار کنشگر نوعی جابه‌جایی جنسیتی رخ داده است. در این شخصیت خود‌غیرواقعی و ناهماهنگی بین رفتار و احساسات کنشگر وجود دارد.

دلک

خلاصه داستان: رمان دلک درباره مقطعی از زندگی یک دختر دانشجو به اسم نگار است که از شهرستان به تهران آمده است. یک روز در ایستگاه اتوبوس با دختر نوجوانی برخورد می‌کند که با رفتارهای حرص نگار را در می‌آورد. یک سیلی به دختر می‌زند و به خانه‌اش برمی‌گردد و از عذاب وجدانی که دارد، دنبال دختر می‌رود و او را یواشکی به خانه‌اش می‌آورد. نگار به مرور متوجه می‌شود دختر نوجوان از خانواده دلک‌هاست و طبق قوانین دلک‌ها مسئولیت دختر با او است. بعد از مدتی این پنهان‌کاری فاش می‌شود و رابطه صمیمانه‌ای بین نگار، دلک و عمه نگار شکل می‌گیرد و دلک با آن‌ها زندگی می‌کند. او بسیار به عمه کمک می‌کند و عمه از بودنش بسیار خوشحال است و همیشه آرزو داشت یک دختر مانند او داشته باشد. بقیه همسایه‌ها هم به‌مرور دختر غریبه را در جمع خود می‌پذیرند و همین مسئله باعث اتفاقات تازه‌ای در مجتمع محل زندگی نگار می‌شود. نگار هم رفته‌رفته به رفتارهای دختر انس می‌گیرد و دختر او را کمک بسیاری می‌کند و در دانشگاه نگار برایش نمایش بازی می‌کند و نگار از استادش نمره کامل می‌گیرد و در پایان با رفتن او جای خالی وی را به شدت حس می‌کند.

تحلیل: شخصیت‌های این سه داستان "سپیده"، "کاملیا" و "کیمیا" هستند. این رمان بیشتر متمرکز روی سبک زندگی دلک است. بعد از شاخص سنتی شاخص‌های فراغتی و فرهنگی بالاترین بسامد را دارند و شاخص مراقبتی در رده بعدی قرار می‌گیرد. در این کتاب شاخص سنی از زیرگروه شاخص‌های سنتی با معیار قرائن لفظی (اشاره به سن و سال) مشخص کرد که شخصیت‌های داستان نوجوان و بین سنین یازده تا هفده سالگی هستند. براساس شاخص جنسیتی، شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان دختران هستند و پسر نوجوان در داستان مشاهده نشد. براساس شاخص تحصیلی، شخصیت‌ها مقاطع تحصیلی را پشت سر می‌گذرانند. بافت خانواده در داستان به دو شکل زندگی نوجوانان با والدین و زندگی با دیگران است.

خانواده در این رمان حضور دارد، اما در دسترس نیست و نوجوان به‌صورت مستقل زندگی خود را اداره می‌کند و برای خود هویت مستقل می‌سازد. شاخص فراغتی نشان می‌دهد که بیشترین فراغت نوجوانان بازی و رفت و آمد با دوستان است و بعد از آن عمده‌اموری که در زمان فراغت نوجوانان انجام می‌پذیرد، فعالیت‌های هنری از قبیل بافتنی کردن، نمایش بازی کردن و موسیقی گوش دادن است که در سطح شاخص فرهنگی مطرح می‌شود. فضای فراغتی نوجوانان بازار، پارک و کافی‌شاپ است. شاخص فرهنگی مشخص کرد که نوجوانان در اموری چون کتاب و مجله خواندن، فال گرفتن و فعالیت‌های هنری (بافتنی کردن، نمایش بازی و ...) نقش فعالانه دارند. شاخص مدیریتی (مدیریت بدن) نشان داد که نوجوانان به آرایش صورت و مو می‌پردازند و لباس‌هایی منطبق با مد روز می‌پوشند و عادات تغذیه بیانگر آن است که نوجوانان به خوردن انواع شیرینی به‌خصوص بستنی، تنقلات و فست‌فود علاقه دارند. انتخاب دختران به‌عنوان شخصیت اول داستان و داشتن شخصیتی فعال و مستقل نخستین گام در کنار گذاشتن کلیشه‌های جنسیتی محسوب می‌شود که نویسنده آن را رقم زده است. شخصیت‌های زنان در برابر مردان شخصیت غالب را تشکیل می‌دهند.

نتیجه‌گیری

براساس الگوی سبک زندگی ایرانیان، شاخص‌های سبک زندگی نوجوانان، در رمان‌های مورد پژوهش به شاخص‌های سنتی، فراغتی، فرهنگی و مدیریتی-مراقبتی طبقه‌بندی می‌شوند. براساس زیرگروه شاخص سنتی، شاخص جنسیت بیانگر آن است که از هجده نوجوان یافت شده در این رمان‌ها، سیزده نوجوان دختر و پنج نوجوان پسر است. که در تمامی کتاب‌ها به‌جز کتاب اولین روز تابستان که شخصیت اصلی آن پسر است و شخصیت دختر ندارد، دختران شخصیت اصلی داستان و پسران شخصیت فرعی هستند و

دختران بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. در سطح شاخص سنی، سن نوجوانان بین سنین یازده تا هفده سالگی است که از هجده نوجوان، هفت نوجوان در رمان‌ها شانزده سال دارند که می‌توان استنتاج کرد که نویسندگان بیشتر برای این مخاطب سنی می‌نویسند و سن نوجوانی در رمان‌های مورد پژوهش به‌طور تقریبی شانزده سالگی است. شاخص تحصیلات بیانگر آن است تمامی نوجوانان به مدرسه می‌روند و ادامه تحصیل می‌دهند. این امر ناشی از اهمیت خانواده و جامعه ایران است و رفتن کودکان و نوجوانان به مدرسه اجباری است. براساس معیار خانواده از هجده نوجوان چهارده نوجوان با والدین خود زندگی می‌کنند و در کنار پدر و مادر هستند. سه نوجوان با تک والد مادر و مادر بزرگ زندگی می‌کنند و یک نوجوان مستقل از خانواده و با دیگران زندگی می‌کند. نکته جالب توجه این است که در هیچ‌یک از داستان‌ها نوجوانان با تک والد پدر نیستند و با مادر خود زندگی می‌کنند. علت زندگی با تک والد مادر در دو داستان *اولین روز تابستان* و *عاشقانه‌های یونس* در شکم ماهی مرگ والدین و در کتاب *قلب‌های نارنجی*، طلاق و جدایی بوده است. بعد از شاخص‌های سنتی که در تمام شخصیت‌های داستان یافت می‌شود، شاخص فراغتی را می‌توان پرکاربردترین شاخص دانست. در میان فعالیت‌های فراغتی بیشترین فعالیت فراغتی نوجوانان به‌ترتیب اولویت رفت و آمد با دوستان، ورزش و بازی و استراحت کردن است. که فعالیت فراغتی دختران به‌طور غالب رفت و آمد با دوستانشان و فعالیت فراغتی پسران بیشتر بازی و ورزش است. در میان فضای فراغتی بیشترین فضای فراغتی نوجوانان به‌ترتیب منزل و خیابان بوده است که فضای فراغتی دختران منزل و فضای فراغتی پسران بیشتر در خیابان و فضای بیرون از خانه است. در سطح شاخص فرهنگی بیشترین فعالیت فرهنگی نوجوانان به‌ترتیب کتاب خواندن، فعالیت‌های هنری و تلویزیون دیدن است و بیشتر امور فرهنگی نوجوانان با امور فراغتشان هم‌پوشانی دارد. نکته جالب توجه آن است که دختران در انجام امور فرهنگی فعال‌تر از پسران هستند و از میان امور فرهنگی پسران تنها به تماشای تلویزیون می‌پردازند. در سطح شاخص مدیریتی و مراقبتی نیز مدیریت تغذیه و رسیدن به ظواهر شخصی به‌ترتیب دارای اولویت هستند. در بررسی شاخص‌های مدیریتی عادات تغذیه بخش قابل توجهی را خود اختصاص داده است. خوراکی دلچسب و بدون استئنا لذت‌بخش تمام کنشگران بستنی است و این بیانگر توجه کودکان و نوجوانان ایرانی به این خوراکی است که کمتر کسی را می‌توان دید که بستنی خوردن برایش لذت‌بخش نباشد. بعد از آن تنها غذاهای نوجوانان گرایش به فست‌فود است.

منابع

- آقایی، خسرو. (۱۳۸۹). «رمان کودک و نوجوان و اما و اگرهایش». *رمان کودک و نوجوان (مجموعه مقالات)*. به اهتمام معصومه انصاریان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. صص ۱۵۷-۱۴۹.
- باقری، مهناز. (۱۳۸۴). «رمان نوجوانان: امیدها و نگرانی‌ها». *کتاب ماه کودک و نوجوان*. شماره ۹۳. صص ۷-۱۱.
- توکلی، سارا. (۱۳۹۴). «بازیابی سبک زندگی کودکان براساس افسانه‌های کودکان ایرانی منتشر شده در دهه هشتاد گروه سنی (الف-ج)» کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- جلالی، مریم. (۱۳۹۲). «رتوریک و تئوری نیاز در مخاطب‌شناسی آثار کودک و نوجوان». *نشریه تخصصی روشنان*. ش ۱۵. بهار. صص ۳۱-۲۴.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۱). «سبک زندگی و مطالعات راهبردی». *الگوهای سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات)*. به اهتمام ابراهیم حاجیانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی. صص ۱۴-۷.
- حدادی، هدی. (۱۳۹۱). *دلگف*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۸۹). *هستی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- حسینی‌نسب، سید داوود. (۱۳۷۲). «نقش‌آموزی جنسیت و تفاوت‌های جنسیت در کودکان». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*. شماره ۱۴۶. صص ۳۱-۱۸.
- خانیان، جمشید. (۱۳۸۹). *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- رحمت‌آبادی، الهام. (۱۳۹۱). «شالوده هویت اجتماعی در مدرنیته متأخر». *الگوهای سبک زندگی ایرانیان (مجموعه مقالات)*. به

- اهتمام ابراهیم حاجیانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی. صص ۲۰۴-۱۷۵.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). وقتی مژگی گم شد. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 - شیخ‌الاسلامی، حسین. (۱۳۸۹). «رمان نوجوان و زیست نوجوانانه. سیاه‌مشقی در باب امکانات هستی‌شناختی رمان نوجوان».
- رمان کودک و نوجوان (مجموعه مقالات). به اهتمام معصومه انصاریان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. صص ۱۱۹-۱۰۳.
- کریم‌زاد، مینو. (۱۳۸۹). قلب‌های نارنجی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 - کوهستانی، حسینعلی و علی‌اصغر خلیل‌زاده. (۱۳۷۸). پژوهشی در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌وری از آن. مشهد: تیهو.
 - گلشیری، سیامک. (۱۳۸۹). اولین روز تابستان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
 - گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
 - مجدی، علی‌اکبر و دیگران. (۱۳۸۹). «سبک زندگی جوانان شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین». مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال هفتم. صص ۱۶۱-۱۳۱.
 - هجری، محسن. (۱۳۸۹). «مخاطب در حال عبور. بحران مخاطب در رمان نوجوان». رمان کودک و نوجوان (مجموعه مقالات). به اهتمام معصومه انصاریان. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. صص ۱۲۹-۱۲۱.
- Burdieu, P. (1984). *Distinction: A social critique of the judgement of taste*. London: Routledge Press.
 - Jalali, M. Bagheri, & N. Mahmoodi, N. (2016). "Travel writing in children and adolescent's literature in Iran". *Advances in Language and Literary Studies*. no 7 (2). pp 1-6.